جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۶۶۳ | چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵ | ۲۱ صفر ۱۴۴۸ | اذان ظهر ۱۲:۱۰ |
غروب آفتاب ۱۹:۰۵ | اذان مغرب ۱۹:۲۵ | نیمه شب شرعی ۲۳:۲۲ | اذان صبح فردا ۰۳:۴۱ | طلوع آفتاب فردا ۰۵:۱۶ |

دیده‌بان

در نشست «چه چیزی معاصر است؟» مطرح شد

دشواری‌های هنر ایران برای رسیدن از مدرنیته به دوران معاصر

در نشست «چه چیزی معاصر است؟» در موزه هنرهای معاصر تهران، بهزاد حاتم و ابراهیم حقیقی با نگاهی انتقادی به چیستی هنر معاصر پرداختند و به تضاد میان برنامه‌های منسوخ دانشگاه‌ها اشاره کردند.

به گزارش «جوان»، اولین نشست از مجموعه سلسله نشست‌های «پرسش‌های اکنون» با هدف طرح پرسش‌های بنیادین هنری و با موضوع «چه چیزی معاصر است؟» در سالن سینمای موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

در این نشست، بهزاد حاتم و ابراهیم حقیقی، سخنرانان برنامه به گفت‌وگو درباره چیستی هنر معاصر، نسبت آن با مدرنیته و دشواری‌های فراروی آن در ایران پرداختند. حسین گنجی، دبیر نشست اداره جلسه را برعهده داشت.

بهزاد حاتم، هنر معاصر را هم‌روزگار با هر دوره دانست و آن را مفهومی آغاز و پایان‌ناپذیر معرفی کرد و نقطه عطف آن در ایران را پس از انقلاب ۱۳۵۷ برشمرد.

ابراهیم حقیقی، اما با نگاهی تاریخ‌نگارانه تکیه صرف بر زمان را برای تعریف معاصریت ناکافی خواند و با اشاره به برنامه درسی منسوخ دانشکده‌های هنر، گفت که هنر ایران به‌سادگی از مدرنیته به معاصریت نرسیده است.

حاتم با اشاره به تغییر رویکرد موزه‌های معاصر جهان از سال ۲۰۰۰، موزه هنرهای معاصر تهران را دیگر «معاصر» ندانست و گالری‌های خصوصی را محل ظهور هنر روز ایران معرفی کرد. حقیقی نیز هنرمندان بزرگ امروز ایران را اغلب خودآموخته دانست و دانشگاه‌ها را در تربیت آنان ناکارآمد خواند. در بخش دیگری از نشست، حقیقی از فاصله عمیق مخاطب ایرانی با هنر معاصر سخن گفت و حاتم این پدیده را جهانی دانست و بر نقش نخبگان در پیشبرد جامعه تأکید کرد.

در این نشست، حاتم و حقیقی، هر دو بر فردگرایی روزافزون در هنر معاصر اتفاق نظر داشتند، هرچند حقیقی از جنبش‌های تاریخی پیشین مانند «گروه آزاد» و «سقاخانه» به‌عنوان مانیفست‌های نانوشته هویت‌خواهانه یاد کرد.

حاتم در پایان، هنرمندان جوان ایران را درخشان و همپای جهان ارزیابی کرد.

حسین گنجی نیز در پایان نشست، هنر معاصر را فاقد پاسخ قطعی دانست و این نشست را گامی برای پرسشگری و نزدیک‌تر شدن به فهمی واقعی‌تر از معاصریت توصیف کرد.

آغاز رویدادهای بیست‌ویکمین جشنواره نمایش عروسکی تهران- مبارک

مراسم آغاز فعالیت‌های بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک، روز جمعه ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

مراسم آغاز فعالیت‌های بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک، روز جمعه ۱۶ مرداد ۱۴۰۵، ساعت ۱۷ با حضور هنرمندان و فعالان عرصه نمایش عروسکی، در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود. این مراسم، سرآغاز مجموعه رویدادهای بیست‌ویکمین دوره جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک است که با سخنرانی مجازی پیتر شومان، هنرمند برجسته تئاتر عروسکی و بنیان‌گذار «گروه نان و عروسک»، جان بل، مورخ تئاتر عروسکی و مدرس دانشگاه و سخنرانی حمیدرضا اردلان، پژوهشگر تئاتر، موسیقی و مدرس دانشگاه برگزار می‌شود.

همچنین در این مراسم از پوستر رسمی این دوره از جشنواره با طراحی فرزاد ادیبی رونمایی می‌شود.

بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک، مهر ۱۴۰۵ به دبیری پوپک عظیم‌پور تبریزی در تهران برگزار می‌شود.

دیدگاه

نگاهی به کتاب‌هایی که اربعین را از زاویه‌های مختلف روایت کرده‌اند

«اربعین» روایتی که هر سال کتاب‌های تازه‌ای را تولید می‌کند

روزبه فکور

مناسبت‌هایی مثل عاشورا و اربعین، بازار انتشار و معرفی کتاب‌هایی که از زوایای مختلف به این رویدادهای عظیم مذهبی و اجتماعی می‌پردازند، رونق می‌گیرد. اگر تا چند سال پیش بیشتر آثار منتشر شده درباره اربعین بر خاطره‌نگاری، سفرنامه یا روایت‌های احساسی استوار بودند، امروز دامنه این ادبیات گسترده‌تر شده و پژوهش‌های جامعه‌شناختی، رمان، تحلیل‌های تاریخی و حتی آثار آموزشی نیز به آن افزوده شده‌اند. همین تنوع نشان می‌دهد که اربعین به موضوعی جدی برای نویسندگان، پژوهشگران و ناشران تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که هر نویسنده‌ای تلاش می‌کند آن را از منظر خود روایت یا تحلیل کند.

■■■

■ خوانش جامعه‌شناختی اربعین

در میان آثار منتشر شده، کتاب «پیاده‌روی اربعین؛ تأملاتی جامعه‌شناختی» به دبیری و گردآوری محسن حسام‌مظاهری جایگاه متفاوتی دارد. این کتاب از نخستین تلاش‌های جدی برای مطالعه علمی اربعین به شمار می‌رود و می‌کوشد این آیین را از سطح روایت‌های صرفاً احساسی و تبلیغی فراتر ببرد و آن را به عنوان یک «پدیده اجتماعی» مورد بررسی قرار دهد. نویسندگان این مجموعه معتقدند اربعین را نمی‌توان فقط در قالب یک مناسک مذهبی توضیح داد، زیرا در این رویداد، دین، سیاست، رسانه، هویت، مناسک، روابط اجتماعی و تجربه زیسته انسان‌ها به شکلی پیچیده درهم تنیده‌اند. اهمیت این کتاب در آن است که اربعین را رخدادی اجتماعی می‌بیند که در آن شبکه‌های مردمی، موکب‌داران، رسانه‌ها، نهادهای دینی و دولت‌ها همگی در شکل‌گیری تجربه نهایی زائران نقش دارند. نویسندگان کتاب نشان می‌دهند که این آیین چگونه توانسته هویت شیعی را در مقیاسی فراملی بازتولید کند و روابط میان میزبان و میهمان را به یکی از عناصر اصلی تجربه معنوی تبدیل سازد. همین نگاه تحلیلی باعث شده است «پیاده‌روی اربعین؛ تأملاتی جامعه‌شناختی» برای پژوهشگران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان مطالعات دین و فرهنگ به یکی از منابع مرجع تبدیل شود.

«چای عراقی»، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه گروهی از اربعین است که با گردآوری محمدرضا شرفی‌خبوشان و همراهی نویسندگان جوان و چند چهره شناخته‌شده ادبیات معاصر، شکل گرفته است. این کتاب جهان متنوعی از روایت‌های انسانی را پیش روی خواننده می‌گذارد؛ جهان‌هایی که در ظاهر در مسیر نجف تا کربلا رخ می‌دهند، اما در عمق، به زندگی روزمره، رنج‌های پنهان و تصمیم‌های دشوار انسان امروز گره خورده‌اند.

در این مجموعه، زائران انسان‌هایی خسته، آسیب‌دیده و گاه درگیر تناقض‌های اخلاقی هستند. هر داستان همچون یک استکان چای عراقی، کوتاه اما پر از مزه است؛ لحظه‌ای گذرا که در آن دو مسیر انسانی به هم می‌رسند و سپس از هم جدا می‌شوند. نویسندگان با پرهیز از شعارزدگی، تلاش کرده‌اند تجربه اربعین را از سطح روایت‌های کلیشه‌ای به عمق مواجهه‌های واقعی و ملموس ببرند.

■ کشف لایه‌های انسانی پیاده‌روی اربعین

در کنار این پژوهش دانشگاهی، آثار دیگری نیز هر کدام تصویری متفاوت از اربعین ارائه می‌کنند. کتاب «بدو دجله، بدو»، نوشته معصومه صفایی‌راد، تجربه‌ای شخصی و سفرنامه‌ای از مسیر نجف تا کربلاست که نویسنده در آن علاوه بر روایت سفر، تلاش می‌کند مخاطب را با تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم عراق آشنا کند. نگاه او بیش از آنکه بر گزارش وقایع استوار باشد، بر کشف لایه‌های انسانی این سفر تمرکز دارد و تصویری متفاوت از عراق امروز ارائه می‌دهد.

رمان «باغ اسلیمی»، نوشته بشری صاحب نیز از زاویه‌ای داستانی به اربعین نزدیک می‌شود. ماجرای جابه‌جایی اتفاقی کوله‌پشتی یک دانشجوی ایرانی و یک جامعه‌شناس آلمانی، بستری برای ورود شخصیت اروپایی داستان به مسیر پیاده‌روی اربعین فراهم می‌کند. نویسنده از خلال این روایت، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و حتی محیط‌زیستی این اجتماع بزرگ را به تصویر می‌کشد و تلاش می‌کند اربعین را از نگاه فردی بیرون از جهان تشیع روایت کند.

در مجموعه «چای عراقی» زائران انسان‌هایی خسته، آسیب‌دیده و گاه درگیر تناقض‌های اخلاقی هستند. هر داستان همچون یک استکان چای عراقی، کوتاه اما پر از مزه است؛ لحظه‌ای گذرا که در آن دو مسیر انسانی به هم می‌رسند و سپس از هم جدا می‌شوند

در حوزه اندیشه دینی نیز کتاب «همرزمان حسین(ع)»، مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۵۱ است که با نگاهی تاریخی و تحلیلی، سیره سیاسی و اجتماعی ائمه را بررسی می‌کند. هرچند این کتاب مستقیماً درباره اربعین نیست، اما فهم فلسفه قیام عاشورا و جایگاه امام حسین(ع) را به عنوان زمینه‌ای برای درک فرهنگ اربعین دنبال می‌کند.

■ پیوند مسائل روز با مفاهیم مذهبی

رمان «اربعین طوبی»، نوشته سیدمحسن امامیان نیز با الهام از یک داستان واقعی، زندگی زنی ایرانی را روایت می‌کند که سرنوشتش با تحولات معاصر ایران و عراق گره خورده است. پیاده‌روی اربعین در این اثر بستری برای بازخوانی تاریخ، جنگ، مهاجرت، انتظار و امید است و نویسنده از خلال خاطرات شخصیت اصلی، روایت زندگی دو ملت را در کنار هم قرار می‌دهد.

در میان آثار آموزشی و تحلیلی، کتاب «دعوا سر اولویت است»، نوشته سیدعلی‌اصغر علوی با رجوع به واقعه عاشورا، بر مسئله تشخیص اولویت‌ها در زندگی تأکید می‌کند و مفاهیم مذهبی را به مسائل امروز پیوند می‌زند. «حسینیه»، نوشته محمدعلی جاودان نیز با زبانی ساده، فضیلت عزاداری و زیارت اربعین را همراه با توصیه‌هایی برای برگزارکنندگان مراسم حسینی تشریح می‌کند و بیشتر مخاطبان عمومی را هدف قرار داده است.

کتاب «زندگی اربعینی»، نوشته علیرضا پناهیان نیز اربعین را الگویی برای سبک زندگی جمعی معرفی می‌کند و آن را تمرینی برای همبستگی، مقاومت و آمادگی جامعه اسلامی می‌داند. در مقابل، «پادشاهان پیاده»، نوشته بهزاد دانشگر و محمدعلی جعفری بر روایت‌های مستند زائران استوار است؛ اثری که با حفظ لحن راویان از ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف تلاش می‌کند تجربه انسانی پیاده‌روی اربعین را بی‌واسطه به مخاطب منتقل کند.

مجموع این آثار نشان می‌دهد امروز ادبیات اربعین به عرصه‌ای برای پژوهش‌های جامعه‌شناختی، رمان‌نویسی، مطالعات تاریخی، روایت‌های مستند و تأملات فرهنگی تبدیل شده است. اگر «پیاده‌روی اربعین؛ تأملاتی جامعه‌شناختی» می‌کوشد سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی این پدیده را توضیح دهد، آثاری مانند «بدو دجله، بدو»، «باغ اسلیمی» یا «پادشاهان پیاده» تجربه زیسته و روایت انسانی آن را به تصویر می‌کشند و کتاب‌هایی چون «زندگی اربعینی» و «حسینیه» نیز بر ابعاد اعتقادی و تربیتی آن تأکید دارند. همین تنوع رویکردها نشان می‌دهد اربعین موضوعی چندوجهی برای مطالعه، روایت و اندیشیدن است؛ موضوعی که هر سال بر دامنه ادبیات و پژوهش‌های مرتبط با آن افزوده می‌شود.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

همنشین و دوست، همانند وصله در لباس است، پس آن را همشکل برگزین.

غررالحکم، ج۱، ص۳۷۹

نما | حسین کشتکار

نگاه

وحید چاووش، مستندساز:

حقیقت اربعین را باید در دل آدم‌ها جست‌وجو کرد

تهیه‌کننده مستند «سلام بر علی پسر موسی» معتقد است مهم‌ترین ضعف بسیاری از مستندهای اربعین، فاصله گرفتن از حقیقت زندگی مردم است. مستندساز زمانی به اربعین نزدیک می‌شود که پیش از دوربین، انسان‌ها را بشناسد.

وحید چاووش، مستندساز، درباره آسیب‌هایی که ممکن است آثار مستند مرتبط با اربعین را تهدید کند، گفت: مسئله اصلی، فاصله گرفتن از آن احساسی است که واقعاً درون مردم وجود دارد. اگر کسی بتواند آن احساس درست را که در سینه آدم‌ها وجود دارد، تصویر کند، اتفاقاً رمز موفقیت اثر همین است. متأسفانه بسیاری از فیلم‌هایی که ساخته می‌شوند، با آن احساس واقعی فاصله دارند. ضعف بعضی آثار این است که نمی‌توانند آنچه را در درون آدم‌ها می‌گذرد، به تصویر بکشند. کارگردان مستند «صبحی که نزدیک است» با اشاره به ضرورت تغییر نگاه فیلمساز به سوژه افزود: گاهی ممکن است فیلمساز از جایگاهی بیرونی به مردم نگاه کند؛ انگار خودش را در موقعیتی متفاوت و بالاتر از آنها ببیند. در حالی که باید به میان جماعت رفت و کشف کرد که در قلب این آدم‌ها چه می‌گذرد. وقتی انسانی همه داشته‌هایش را برای امام حسین(ع) می‌گذارد، حتماً حقیقتی در وجود او نهفته است. باید این حقیقت را شناخت، نه اینکه آن را با عنوان‌هایی مثل قشری‌گری یا نگاه عوامانه توضیح داد. باید دید چه چیزی در قلب این انسان وجود دارد که او را به این میزان از بخشش و ایثار می‌رساند. چاووش در گفت‌وگو با ایرنا، درباره ضرورت عبور مستندهای مذهبی از ثبت صرف مراسم و مناسک گفت: مستند نباید فقط به ثبت اتفاقات ظاهری محدود شود. برای رسیدن به لایه‌های انسانی و معنوی یک موضوع، نیاز به شناخت وجود دارد.

او با اشاره به مفهوم تحقیق در سینمای مستند افزود: تحقیق فقط تحقیق آکادمیک نیست. تحقیق میدانی یعنی همنشینی با آدم‌ها، شناختن آنها و رسوخ در زندگی‌شان. وقتی این اتفاق بیفتد، ماجرا کاملاً متفاوت می‌شود. وقتی آدم‌ها تو را بین خودشان بپذیرند، فاصله میان کارگردان، دوربین و سوژه به حداقل می‌رسد و آنجاست که اتفاقات مهمی رخ می‌دهد. این تجربه‌ای است که خودم هم همیشه تلاش کرده‌ام به آن برسم. این فیلمساز توضیح داد: برای مثال، اگر وارد خانه کسی شده‌ام، تلاش کرده‌ام واقعاً او را بشناسم، به او نزدیک شوم و او را درک کنم. وقتی به یک انسان نزدیک می‌شوم، درد او برای من هم تبدیل به مسئله می‌شود و نمی‌توانم بی‌تفاوت بمانم. همین نزدیکی و قرابت است که کمک می‌کند به لایه‌های پنهان‌تر زندگی آدم‌ها راه پیدا کنم؛ لایه‌هایی که معمولاً در نگاه اول دیده نمی‌شوند.

چاووش درباره روایت‌هایی از اربعین که کمتر در سینمای مستند دیده شده‌اند، گفت: به نظرم ما هنوز در شناخت مردم

عراق و علاقه آنها به امام حسین(ع) فاصله زیادی داریم. در واقع اگر دوباره بخواهم در این‌باره فیلم بسازم، باز هم سراغ عراقی‌ها می‌روم؛ سراغ آداب عزاداری، شیوه ابراز علاقه و ایثاری که در میان آنها وجود دارد.

این مستندساز با اشاره به تجربه خود از حضور عراقی‌ها در مراسم اربعین گفت: چیزی که برای من قابل تأمل است، این است که آنها وقتی زیر خیمه امام حسین(ع) قرار می‌گیرند، بسیاری از اختلاف‌ها و دشمنی‌ها را کنار می‌گذارند. آنجا دیگر تمایزها کم‌رنگ می‌شود و خودشان را برادر یکدیگر می‌دانند. این روحیه را به‌خصوص در جنوب عراق، هرچه از مرکز فاصله می‌گیریم و به سمت بصره و مناطق جنوبی‌تر می‌رویم، بیشتر دیده‌ام. آنها به خاطر نام سیدالشهدا(ع) بسیاری از اختلاف‌ها را کنار می‌گذارند.

وحید چاووش با مقایسه این تجربه با برخی اتفاق‌های داخلی گفت: گاهی حتی در هیئت‌های خودمان اختلاف‌هایی شکل می‌گیرد، در حالی که این چیزی است که ما باید از آنها (عراقی‌ها) یاد بگیریم؛ عشق، ایثار، بخشش و نوع نگاهشان به عزاداری. در فیلم‌هایم همیشه به این مسئله اشاره کرده‌ام که زبان من و زبان دوربینی که به دست دارم، در برابر حقیقتی که در دل مردم وجود دارد، الکن است و نتوانسته‌ام حق این واقعه را ادا کنم. رسیدن به آن حقیقت کار بسیار دشواری است و نیاز به تلاش فراوان دارد.

تهیه‌کننده مستند «سلام بر علی پسر موسی» درباره چالش‌های مستندسازی گفت: چالش را نمی‌توان از سینمای مستند در این کشور جدا کرد. در تولید مستند همواره با مسائل مختلفی مانند گرفتن مجوز، ارتباط با آدم‌ها و فراهم کردن شرایط تولید مواجه هستم. بنابراین چالش‌های موجود در تولید مستند در حوزه اربعین را موضوعی متفاوت از دیگر حوزه‌های مستندسازی نمی‌دانم؛ چالش‌های سینمای مستند، چالش‌های عمومی این سینماست. این مستندساز در ادامه با اشاره به اهمیت سینمای مستند گفت: سینمای مستند بسیار قدرتمند است؛ به‌خصوص در حرکت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. سینمای داستانی جایگاه خودش را دارد، اما مستند می‌تواند واقعیت‌ها را ثبت کند و بر جامعه اثر بگذارد.

محمد فیلی، بازیگر سینما و تلویزیون:

بازی در آثار مذهبی نیرویی معنوی می‌خواهد

محمد فیلی، بازیگر سریال «مختارنامه» که این روزها شاهد نقش‌آفرینی او در مجموعه «نگین ارباب» هستیم، از حال و هوای خود در فیلمبرداری یکی از صحنه‌های این سریال گفت: «حسی خاص بود که گفتنش سخت است.»

محمد فیلی، بازیگری که نقش «شمر» را در «مختارنامه» مقابل دوربین داود میرباقری برد، در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: در مختارنامه موقعی که مقابل دوربین می‌رفتم، همیشه احساس می‌کردم که دیگر در محرم، واقعه کربلا رخ نمی‌دهد. حسم این بود، اما متأسفانه تاریخ است و هر سال این واقعه تکرار می‌شود و ما در سوگ امام شهیدمان عزاداریم.

او از نگین ارباب می‌گوید که در این سریال بر خلاف مختارنامه جزو صحابه امام شهید است. از صحنه‌ای می‌گوید که در آن امام چهارم شیعیان را به آغوش می‌کشد: حس خاصی بود که گفتنش سخت است.

فیلی که در نگین ارباب جزو طرفداران امام است، خاطرنشان کرد: برخی موقع‌ها در سریال‌های مذهبی، خصوصاً آنهایی که درباره واقعه کربلا و اباعبدالله‌الحسین است، سر صحنه، بازیگر لحظاتی گیر می‌کند و به اصطلاح آچمز می‌شود و نمی‌داند چه کاری بکند. دنبال فرصتی می‌گردد که خود را رها و برای ادامه دادن تلاش کند. دیگر یک جایی، آدم می‌برد و نیرویی از بیرون باید به او کمک کند؛ نیروی معنوی که او را به حرکت وامی‌دارد تا بتواند از عهده نقشش به‌خوبی برآید.

او گفت: وقتی که در جمع صحابه امام هستی، دوست داری که در این راه قدم برداری و به شهادت برسی. روحیه خاصی را به آدم می‌دهد و بازیگر را پیش می‌برد. این هل دادن از کجاست، چگونه است

و از کجا وارد می‌شود، برای من خیلی جالب است.

وی اظهار داشت: در همین نگین ارباب، وقتی که سر مزار امام حسین(ع) می‌رسم، آدم‌ها در این گودال پراکنده هستند و دنبال شهدای خودشان می‌گردند، اما امام سجاد(ع) من را بغل می‌کند. فقط خودم او را می‌بینم و مابقی نگاه می‌کنند و گویی که من هوا را بغل کرده‌ام و تماشاچی تصویر را می‌بینند. حس خاصی به آدم می‌دهد و عالمی برای آدم خلق می‌کند که گفتنش خیلی سخت است، مثنوی هفتادمن است.

او همچنین در این باره که آیا چنین تولیداتی توانسته حق مطلب را در خصوص واقعه کربلا و اربعین حسینی ادا کند، گفت: این آثار تاکنون حق مطلب را ادا نکرده است. این عظمت، شکوه، ایثار، از خودگذشتگی و فداکاری را چقدر توانستیم پاسخگو باشیم. باید خیلی کار شود و کار دست کاردان باشد. خیلی کارها کرده‌ام که یک‌بار پخش شده و دیگر دیده نشده، چون ضعیف بودند. باید برنامه‌ریزی دقیق و مطالعه شود تا بتواند جوابگو باشد و مخاطبان را به سمت خود بکشد.

فیلی افزود: کارها در خصوص اربعین و اباعبدالله‌الحسین باید کیفی‌تر ساخته شود، همانند مختارنامه که همچنان مشتاقان و مخاطبان خود را دارد. چقدر افسوس می‌خورم از بزرگانی که بودند و رفتند. برخی سریال‌ها را می‌بینم که جز دو نفرشان، مابقی فوت شده‌اند و این در حالی است که در حق خیلی از آنها کم‌لطفی هم شده است. می‌شد از آنها استفاده‌های خیلی خوبی در کارها کرد.

تلویزیون

تولید فصل‌های بعدی «سرو، سپید، سرخ» ادامه دارد

مدیر گروه تولیدات اجتماعی سیمافیلم با اشاره به تدارک فصل جدید سریال «سرو، سپید، سرخ» بیان کرد که با توجه به فضای کنونی کشور، فصل‌های بعدی این سریال نیز به تولید می‌رسد.

بهرنگ ملک‌محمدی، مدیر گروه تولیدات اجتماعی سیمافیلم، با اشاره به آماده‌سازی فصل دوم سریال «سرو، سپید، سرخ» برای پخش به مهر گفت: در فصل دوم این سریال تغییراتی در فضا و قصه‌ها وجود دارد، اما مسئله مهم این است که به نظرم این سریال به یک پروژه مستمر تبدیل شود، یعنی اینطور نباشد که تصور کنیم مثلاً ۱۰ قسمت تولید و پخش می‌کنیم و کار تمام می‌شود. وی اضافه کرد: به نظر من، این پروژه به شکلی است که با توجه به اتفاقاتی که در کشور رخ می‌دهد، می‌تواند به‌طور مستمر سوژه داشته باشد و ادامه پیدا کند.

وی با اشاره به ادامه‌دار بودن ساخت این سریال اظهار کرد: تصورم این است که این پروژه، یک پروژه مقطعی نیست که فکر کنیم با پایان یک فصل، کار تمام شده است. بنابراین می‌توانیم فصل‌های بعدی این کار را نیز داشته باشیم.

ملک‌محمدی در پایان گفت: اگر به جنگ ۱۲ روزه توجه کنیم، می‌بینیم که سوژه‌ها، دغدغه‌ها و موضوعات چه حال و هوایی داشت و در جنگ رمضان، سوژه‌ها تغییر کرد و بعد از آن نیز باز با شکل‌گیری تجمعات، سوژه‌های دیگری در این مدت به وجود آمد. البته همین حالا هم ما در شرایط جنگی قرار داریم و در یک شهر جنگی فیلم ساختن، طبیعتاً مقتضیات خاص خودش را دارد و همه این موضوعات ایجاب می‌کند ساخت این سریال ادامه داشته باشد.